

بررسی راهکارهای پیشگیری از تضعیف قدرت نرم رهبری انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی

سیدحسین علیاناسب*

حسن صالحی**

سید جلال موسوی شربیانی***

چکیده

«آموزه‌های اسلامی رهبری را به عنوان رکن جامعه اسلامی معرفی می‌کنند و به امت اسلامی دستور می‌دهند که در بحران‌ها به رهبری رجوع کرده و از توطئه دشمنان در امان بمانند. چندین دهه تجربه جمهوری اسلامی هم نقش امام خمینی ره و مقام معظم رهبری در مدیریت بحران‌ها را به خوبی اثبات کرده است. همین امر موجب شده است دشمنان در صدد تضعیف قدرت نرم رهبری انقلاب اسلامی برآمده و سعی کنند در اعتماد عمومی و مقبولیت ایشان تردید و میان ایشان و امت اسلامی فاصله ایجاد کنند. حال این سوال پیش می‌آید که وقتی دشمنان منزلت رهبری را هدف قرار داده و قدرت او برای کنترل و مدیریت بحران‌ها را تضعیف می‌کنند مردم چه تکلیفی دارند؟ به عبارت دیگر دفاع از جایگاه رهبر بر عهده کیست و با چه شیوه‌ای باید از آن دفاع شود؟ پژوهش حاضر روش‌هایی را که امروزه دشمنان برای تضعیف قدرت نرم رهبری اسلامی به کار می‌برند با شیوه‌هایی که دشمنان علیه انبیا به کار برده‌اند و در قرآن به آنها اشاره شده است مقایسه کرده و در نهایت نتیجه گرفت که شیوه‌های

Olyanasab@tabrizu.ac.ir

h.salehi54@gmail.com

sjshrabiani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۳۱

* عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز

** عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز

*** عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۳۰

دشمنان علیه رهبران الهی از زمان‌های دور تاکنون در چارچوب‌های مشابهی قرار دارند. بر این اساس در پژوهش حاضر برای مقابله با توطئه تضعیف قدرت نرم رهبری، راهکارهایی را که قرآن برای دفاع از انبیا به کار برده است مورد توجه قرار گرفتند. در نهایت این نتیجه به دست آمد که اولاً بر اساس شیوه قرآنی تضعیف رهبری در هیچ شرایطی نباید بی پاسخ بماند و امت اسلامی مکلف به دفاع از جایگاه رهبری هستند، ثانیاً راهکارهای قرآنی مقابله با تضعیف قدرت نرم رهبری از ملاک واحدی تبعیت نمی‌کند، بلکه سبک قرآنی اقتضا می‌کند که در گام اول روش دشمن شناسایی و تحلیل شود و سپس شیوه‌ای هوشمندانه که با توطئه دشمن متناسب است برای دفاع از رهبری اتخاذ شود».

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب، قدرت نرم، مقابله با تضعیف.

مقدمه و بیان مسئله

اغلب مطالعاتی که اهداف جنگ روانی را بررسی کرده‌اند آن را مبارزه علیه عقل دشمن دانسته‌اند که اهداف آن در سه دسته إلقاء غم، إلقاء یأس و ناامیدی و ایجاد رعب و وحشت خلاصه می‌شود (سیلان اردستانی، ۱۳۸۳، ۴۹). بنابراین شاخصه اصلی تهاجم روانی دشمن در جامعه اسلامی ایجاد بحران‌های روحی و روانی و از بین بردن امنیت فکری مسلمانان است، و خداوند دستور داده است در چنین شرایطی برای دفع توطئه دشمن و بازگرداندن امنیت و آرامش به جامعه اسلامی، مردم باید به پیامبر خدا و رهبران صالح مراجعه کنند؛ «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُ بِهِ وَ لَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، آن را شایع می‌سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - باز گردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد»^۱. اهمیت جایگاه و منزلت رهبران الهی موجب شده است دشمنان به شیوه‌های متعدد سعی کنند پیامبران را از سر راه بردارند؛ یکی از این شیوه‌ها کشتن و از بین بردن آنان بوده است که در قرآن به آن تصریح شده

است؛ «... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يُقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ ...» ... آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند و پیامبران را بناحق می‌کشتند...^۱ اگر چه ظاهر آیه (کانوا ... یقتلون) دلالت می‌کند که کشتن پیامبران شیوه مستمر آنها بوده، اما تلاش برای تضعیف پیامبران و مدیریت افکار مردم بر ضد انبیا بیش از کشتن آنها مورد توجه بوده است. قرآن کریم با بیان صریح «وَأَلْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ؛ فتنه از قتل بدتر است»^۲ تلاش دشمنان برای کاستن از اعتبار، جذابیت، مشروعیت و در نتیجه توان اقناع و تأثیرگذاری پیامبران الهی را که مولفه‌های اساسی قدرت نرم می‌باشد (Nye, 2004, P.15)، خطرناکتر از کشتن آنها معرفی کرده است.

پژوهش حاضر با تأکید بر اهمیت و نقش رهبری در مدیریت بحران‌ها و پذیرش این فرض که مهمترین تکیه‌گاه جامعه اسلامی در بحران‌های روحی و روانی، رهبری می‌باشد در صدد پاسخ به این سوال است که اگر خود رهبری موضوع تهاجم روانی دشمن قرار گیرد و دشمنان سعی کنند اعتبار و منزلت رهبری را کاسته و قدرت نرم ایشان را تضعیف کنند تکلیف جامعه اسلامی چیست؟ اهمیت این مسئله بدین دلیل افزایش پیدا می‌کند که مهاجمان روانی وقتی تلاش می‌کنند نگرش تغییر نظام حاکم را بر مخاطبان تحمیل کنند یکی از نشانگاه‌های اصلی جنگ روانی خود را ناکارآمد نشان دادن رهبری جامعه اسلامی قرار می‌دهند (سبیان اردستانی، همان).

بر این اساس بررسی راهکارهای حمایت از جایگاه رهبری در برابر توطئه‌های روانی دشمنان داخلی و خارجی از اولویت‌های نظام سیاسی اسلامی به‌شمار می‌آید و این ضرورت وجود دارد که راهکارهای دفاع از رهبری و مقابله با تضعیف قدرت نرم وی مورد توجه جدی قرار گرفته و پژوهش‌های لازم در این زمینه انجام گیرد. پژوهش حاضر در صدد است با تحلیل آیات قرآن، روش دشمنان برای تضعیف قدرت نرم و اعتبار اجتماعی پیامبران را مورد مطالعه قرار داده و روش قرآنی مقابله با تلاش دشمنان در ترور شخصیت رهبری را تبیین کند.

اشاره قرآن به تلاش مخالفان برای تضعیف قدرت نرم پیامبران

دشمنان انبیاء در طول تاریخ از هر تلاشی برای کاهش قدرت نرم پیامبران استفاده کرده‌اند. این تلاش‌ها هر سخن، شایعه یا گفتاری را شامل می‌شود که به منزلت و جایگاه پیامبران لطمه زده و

۱. بقره، ۶۱

۲. بقره، ۱۹۱

موجب سلب اعتماد و جدایی مردم از آنان می‌شد؛ قوم نوح شایعه ریاست‌طلبی^۱ و جنون^۲ پیامبرشان را رواج دادند، قوم هود شایعه سفاهت و دروغ‌گویی حضرت هود را ساخته و پخش کردند،^۳ قوم صالح اتهام شوم بودن را به پیامبر و طرفدارانش وارد کردند،^۴ فرعونیان موسی را ساحر،^۵ مسحور،^۶ دروغ‌گو^۷ و مجنون^۸ معرفی کردند، قوم شعیب شایعه دروغ‌گویی، افسون‌شدگی و نادانی را درباره پیامبرشان ساخته و ترویج کردند.^۹ در تاریخ اسلام نیز شایعات بسیاری علیه پیامبر اسلام ﷺ ساخته شده و بخشی از جامعه اسلامی را گرفتار تردید، سستی، اضطراب و دلهره می‌کرده است. با تأمل اندک می‌توان پی برد تضعیف پیامبران امری رایج بوده و خداوند با این بیان که «برای پیشینیان آن‌ها نیز پیامبری نیامد جز اینکه گفتند ساحر یا دیوانه است»^{۱۰} این حقیقت را تأیید کرده است.

مطابقت شیوه‌های مخالفان انبیا با مخالفان انقلاب اسلامی

یکسان بودن شیوه‌های ستیز با پیامبران به گونه‌ای بود که در تفسیر آیه شریفه «اتَّوَصَّوْاْ بِهٖ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَآغُوْنَ»^{۱۱} بیان شده است که دشمنان در این مبارزه آن چنان هماهنگ عمل می‌کنند که گویی همگی در ماوراء تاریخ مجلسی تشکیل داده، و به مشاوره نشسته، و به یکدیگر توصیه نموده‌اند که انبیاء را عموماً متهم به سحر و جنون کنند، تا از نفوذ اعتبار آن‌ها در توده مردم کاسته شود، و شاید

۱. «يُرِيدُ أَنْ يَنْفَضَلَ عَلَيْكُمْ». مؤمنون، ۲۴.

۲. «إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ». مؤمنون، ۲۵ و «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ». قمر، ۹.

۳. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَٰذِبِينَ». اعراف، ۶۶.

۴. «قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ». نمل، ۴۷.

۵. «قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ». قصص/۳۶. «قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ إِنِّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ». شعراء، ۳۴.

۶. «فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا». اسراء، ۱۰۱.

۷. «فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ». غافر، ۲۴.

۸. «فَتَوَلَّىٰ بَرْكُنْهٖ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ». ذاریات، ۳۹.

۹. «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ. وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نُّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَٰذِبِينَ». شعراء، ۱۸۵ - ۱۸۶.

۱۰. «كَذٰلِكَ مَا آتٰی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ». ذاریات، ۵۲ و ۵۳.

۱۱. ذاریات، ۵۳.

هر کدام می‌خواستند از دنیا بروند بیخ گوش فرزندان و دوستان خود این سخن را می‌گفتند و توصیه می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲. ۳۸۰). امروزه نیز دشمنان برای ترور شخصیت رهبری انقلاب اسلامی از همان الگوهای گذشتگان پیروی می‌کنند و نمونه‌های ذیل بخشی از الگوهای امروزی دشمنان است که همگی در تاریخ پیامبران مسبوق به سابقه می‌باشد. خداوند هم با هر کدام از این توطئه‌ها به نحو شایسته مقابله کرده است:

(۱) برچسب زدن^۱

برچسب‌زدن شیوه‌ای است که در آن برای ایده، فرد یا گروه عنوانی توهین‌آمیز انتخاب می‌شود و موجب می‌شود همان ایده، فکر یا شخص محکوم شود بدون آن که مخاطب در صدد یافتن دلیلی برای آن باشد (زورق، ۱۳۶۸، ۱۴۳). یکی از مهم‌ترین برچسب‌هایی که همواره به پیامبران زده می‌شد عنوان شاعری بود. برچسب شاعری موجب می‌شد آموزه‌های انبیا در حد سخنانی تحریک‌آمیز، عاطفی و برخاسته از احساسات، پایین آورده شود و مردم بدون نیاز به استدلال خاصی متقاعد شوند که آموزه‌های آنان بیرون از دایره‌ی عقلانیت است و نمی‌تواند عامل سعادت و دستور درست زندگی باشد. وقتی دشمنان توحید می‌گفتند: «محمد شاعر بزرگی است که این کلمات را بافته است»^۲ فرصت تفکر و تصمیم منطقی و آگاهانه را از مردم می‌گرفتند. برچسب‌های دیگری همانند برچسب جنون^۳ و ساحری^۴ نیز مردم را به پیش‌داوری واداشته و از پیرامون پیامبران دور می‌کرد.

مطالعه برچسب زنی به رهبران الهی نشان می‌دهد که انتخاب برچسب مناسب برای شخص یا عقیده‌ای و میزان تأثیرگذاری آن تابع شرایط اجتماعی خاص و شرایط فکری مخاطبان است؛ بر همین اساس در زمان حاضر که شاعری مسأله اساسی جهان نیست و تأثیری در تخریب چهره رهبران صالح ندارد برچسب‌های تروریست یا خشونت را به کار می‌برند که امروزه جهان را به چالش کشیده است. نمونه‌ای از اجرای این تکنیک در دوره معاصر تألیف کتاب «پیامبر نیستی»^۵ و راه‌اندازی وب‌سایت «پیامبر نگوینختی»^۶ توسط کریگ وین^۷ صهیونیست است که در آن به پیامبر اسلام ﷺ

1. Labeling

۲. «بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ» انبیا، ۵

۳. «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» حجر، ۶

۴. «وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» ص، ۴

5. Prophet of Nothingness

6. Prophet of Doom .

7. craig winn

توهین کرده و با انجام یک تحقیق میدانی پیش داورانه در مورد گروه‌های مختلف اسلامی، استفاده گزینشی و جهت‌دار از قرآن و سیره رسول‌الله ادعا کرده‌اند که مسلمانان و پیامبر آن‌ها تروریست و ویرانگر بوده‌اند.

(۲) إلقاء

إلقاء، ذهنیت‌های فردی و اجتماعی را تغییر می‌دهد و بدون اینکه مخاطب اطلاع داشته باشد تغییر رفتار وی را دنبال می‌کند. إلقاء حافظه اجتماعی و تصورات جدیدی ایجاد می‌کند که با سابقه دیرین جامعه بیگانه است و رابطه‌ای نیز با واقعیت‌های خارجی ندارد اما زمینه روانی را برای حرکت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مخالف ساختار مورد قبول جامعه فراهم می‌کند (زورق، ۱۳۶۸، ۶۸). این روش اغلب زمانی به کار می‌رود که احتمال دارد مخاطبان نسبت به دریافت مستقیم پیام مقاومت نشان دهند، مهاجمان روانی در این روش منظور خود را در قالب عباراتی دو پهلو و به ظاهر بی‌ارتباط بیان می‌کنند، تا در مراحل بعدی با استفاده از همین حافظه جدید پیام اصلی خود را به مخاطبان منتقل کنند.

فرعون با بزرگ‌نمایی مشکلات اقتصادی جامعه که خداوند آن‌ها را برای بیداری مردم مقدر کرده بود إلقاء کرد که موسی و پیروانش مایه بدبختی مردم هستند؛ «وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ»^۱، مشرکین نیز پیامبر ﷺ را علت مشکلات خود معرفی می‌کردند؛ «وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ»^۲ در مورد دیگر پس از جنگ احد که عده زیادی از مسلمانان داغ دیده شدند و فضای روانی مناسبی برای فرصت‌طلبان ایجاد شد آنها شایع کردند که اگر کشته شدگان جنگ از ما پیروی می‌کردند کشته نمی‌شدند؛ «الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا»^۳ آن‌ها همچنین با توجه به سابقه صداقت پیامبر ﷺ بدون این که وی را متهم به دروغ‌گویی بکنند با این سوالات که چرا وحی توسط بشر ارائه می‌شود و فرشته بدون واسطه بر زمین ظاهر نمی‌شود؟ «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ»^۴ زمینه روانی را برای اتهام دروغ‌گویی به پیامبر ﷺ فراهم کردند. در همه این موارد، دشمنان به‌طور غیر مستقیم زمینه را برای مقصر، ناکارآمد یا دروغگو معرفی کردن پیامبران

۱. اعراف ۱۳۱

۲. نساء، ۷۸

۳. آل عمران، ۱۶۸

۴. فرقان، ۲۱

فراهم می‌کردند تا آمادگی ذهنی را در مردم برای اقدامات مستقیم بعدی فراهم کنند. امروزه این روش‌های غیر مستقیم با سیاه نمایی از وضعیت کشورهای هدف اجرا می‌شود، و دشمنان داخلی و خارجی هم با بزرگنمایی فقر، اعتیاد، فساد، حقوق بشر ادعایی و ... در جامعه، به طور غیر مستقیم ناکارآمدی انقلاب اسلامی و رهبران آن را تلقین می‌کنند.

۳) شخصیت‌سازی و بدل‌سازی

یکی از شیوه‌های دشمنان برای تضعیف رهبری، ایجاد رقاباتی برای ایشان است. آنها کسانی را که به خاطر عملکرد درست‌شان در مقطعی از زمان یا به دلیل انتساب‌شان به یک شخصیت محبوب قابلیت دارند انتخاب کرده و با برجسته کردن آنها تلاش می‌کنند آنان را به عنوان شخصیت‌های اصلی معرفی کرده و با روش جایگزین‌سازی جابه جایی سطوح رهبری را در اذهان مردم فراهم آورند.

قرآن کریم سامری را معرفی می‌کند که از مقام والایی برخوردار بود و آیاتی را می‌دید که مردم عادی از دیدن آن عاجز بودند،^۱ اما در غیاب حضرت موسی (علیه السلام) با سوء استفاده از قابلیت‌های خود سعی کرد اختیار امت را به دست گیرد. وی مجسمه‌ی طلایی گوساله‌ای را درست کرده و آن را به عنوان معبود بنی اسرائیل معرفی کرد.^۲ نکته روان شناختی قابل توجه در انتخاب گوساله توسط سامری این بود که مصریان باستان گاو نر را نیایش کرده و آن را نماد باروری می‌دانستند، و حتی فرعون را هم که عامل حاصلخیزی و باروری تصور می‌کردند نمادی از گاو نر می‌پنداشتند (ایونس، ۱۳۸۵، ترجمه فرخی، ۱۸۲)، سامری با استفاده از همین سابقه ذهنی و رگه‌هایی از تقدس گاو که هنوز در اذهان مردم باقی مانده بود توانست مردم را فریب داده و از خداوند رویگردان کند.

در زمان حکومت علی (علیه السلام) نیز طلحه و زبیر توانستند با استفاده از قابلیت‌های نسبی و سببی همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وی را پیش انداخته و مسلمانان را چنان تحریک کردند که جنگ با وصی پیامبر (علیه السلام) را دفاع از همسر آن حضرت پنداشته و تا پای جان در راستای مطامع طلحه و زبیر جنگیدند (شیخ مفید، ۱۳۶۵، ۲۲۹، ۲۷۶، ۳۰۱ و ۴۳۱).

امروزه نیز بر کسی پوشیده نیست که دشمنان جمهوری اسلامی، برخی متخصصان، هنرمندان و سیاستمداران برجسته را که از انگیزه کافی برای مخالفت با انقلاب اسلامی یا رهبری آن برخوردارند

۱. «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ» طه، ۹۶

۲. طه، ۸۸

شناسایی کرده و با اهدای جوایز بین المللی، پشتیبانی رسانه‌ای و انتشار نظراتشان به معرفی آن‌ها پرداخته و فرایند رهبرسازی را طی می‌کنند.

۴) مقایسه رهبری با حاکمان گذشته

افکار عمومی غالباً از گذشته به عنوان عصر طلایی یاد می‌کند و اندیشمندان افکار عمومی مدعی هستند که هرگز دیده یا شنیده نشده که در یک مقاله‌ی مطبوعاتی یا یک گفتار رادیویی، کسی از طرز زندگی سابق بدگویی کند (دادگران، ۱۳۸۵، ۱۸). مردم نسبت به شخصیت‌های گذشته نیز نگرش مثبت دارند و عیوب آن‌ها را کم و مشمول چشم‌پوشی می‌دانند. همین ویژگی افکار عمومی موجب می‌شود انتقادهای شدید مردم به رهبران، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف در دوره‌های بعدی رنگ ببازد و حتی در مواردی از همان دولت‌ها با عناوین مطلوب و در مقام محک برای جانشین‌های خود نام برده شود. این قابلیت فرصت مناسبی برای طراحان تهاجم روانی فراهم می‌کند که با تمجید از رهبران گذشته و سیاه‌نمایی وضعیت کنونی مردم، به طور ضمنی به اِلقای بی‌کفایتی حاکمان فعلی اقدام کنند و طرز فکر مردم را نسبت به آن‌ها کنترل کنند (صحرايي، ۱۳۸۹). همچنان که یهودیان در مقابل دعوت حضرت محمد ﷺ از ایمان به پیامبران پیشین سخن می‌گفتند؛ «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَأْمِنُوا بِمَا نُنزِلُ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ؛ و چون به آنان گفته شود به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید، می‌گویند: ما به آنچه بر پیامبر خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم و غیر آن را انکار می‌کنند»^۱ همچنان که ذیل آیه دلالت می‌کند بهانه ایمان به پیامبر پیشین هدفی غیر از انکار و تضعیف پیامبر خاتم ﷺ نداشت.

امام خمینی رحمته الله علیه این مطلب را مورد توجه قرار داده و درباره تأثیر گذر زمان در تطهیر پهلوی‌ها تذکر داده بودند؛ سیدحمید روحانی نقل می‌کند وقتی در سال ۱۳۶۴ جلد دوم کتاب «نهضت امام» منتشر شد و بعد از یک یا چند ماه در جماران خدمت ایشان رفتم، امام با حالتی تشرکونه فرمودند: «رها کنید این قهرمان‌سازی‌ها را. از اول تا آخر کتاب خمینی، خمینی. بروید و جنایات ۵۰ ساله این پدر و پسر را به دست بیاورید و منعکس کنید که یک وقت از این‌ها نوشیروان عادل نسازند!» (حمید روحانی و دیگران، ۱۳۹۲، ۲۱). مقام معظم رهبری نیز که در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۳۹۶ در سالگرد ارتحال امام رحمته الله علیه اهل فکر را به تأمل در حقایق و واقعیت‌های دهه شصت فراخوانده و فرمودند: «مراقب باشیم تا در دهه شصت، جای شهید و جلالد عوض نشود». نقش گذر زمان در تطهیر

منافقان را مورد توجه قرار داده بودند.

بنابراین امروز تطهیر پهلوی برای به چالش کشیدن انقلاب اسلامی، تطهیر منافقان برای به چالش کشیدن جریان انقلابی کشور از قابلیت گذر زمان بهره می‌برد. این قابلیت مقایسه و تطهیر و تمجید تمام مدیران قبلی در برابر مدیران فعلی را نیز شامل می‌شود.

۵) ایجاد هراس

سران باطل همواره تلاش می‌کردند مردم را از پیامبران بترسانند، آن‌ها حتی زمانی که با دعوت پیامبری مواجه می‌شدند که از امکانات مادی قابل توجهی برخوردار نبود خود را مظلوم جلوه داده و پیامبر را خطرناک معرفی می‌کردند؛ فرعون به منظور تضعیف موسی و هارون به قومش گفت که: «این‌ها می‌خواهند سرزمین شما را گرفته و آداب و رسوم شما را از بین ببرند»،^۱ قریش نیز همه را از نزدیک شدن به پیامبر ﷺ می‌ترساندند؛ آنان به طفیل بن عمرو گفتند: «مردی که در بین ماست اجتماع ما را به هم زده و امور ما را از هم گسیخته است. سخن او همچون سحر پسر را از پدر، و برادر را از برادر و شوهر را از زن جدا می‌کند. ما از آن بیم داریم که تو و مردم قبیله‌ات هم به سرنوشت ما دچار شوید. بنابراین با وی سخن مگو، و چیزی از او مشنوا!» این هراس‌افکنی چنان وی را تحت تأثیر قرار داد که طفیل قبل از ورود به مسجد الحرام پنبه‌ای در گوش‌های خود فرو برد تا سخنان پیامبر را نشنود (الجزری، ۱۴۲۲، ۲، ۴۸۵).

این روش که از آن با عنوان اهریمن‌سازی نیز یاد می‌شود از مؤثرترین فنون برای ایجاد نفرت از رقیب است. اهریمن‌سازی بر این اساس مبتنی است که افکار عمومی، فرد ظالم را محکوم کرده و به خود اجازه نمی‌دهد نسبت به کسی که مورد ستم واقع شده تصویر منفی داشته باشد. چنین تصویری هم از مشروعیت دشمن می‌کاهد هم خشونت علیه وی را توجیه می‌کند (الیاسی، ۱۳۸۵، ۱۲). امروزه سلطه‌گران با ترویج سیاست ایران‌هراسی^۲ و اسلام‌هراسی^۳ سعی می‌کنند افکار عمومی را آماده کنند تا نسبت به هر گونه برخورد با جمهوری اسلامی و جریان مقاومت پذیرش داشته باشد. همچنان که آن‌ها در اوایل انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی را خطرناک‌تر از کمونیست معرفی کرده و کشورهای عربی را وادار به تشکیل اتحادیه عرب برای حمایت از عراق در جنگ تحمیلی کردند (بیابان‌نورد، ۱۳۸۴، ۸۳)، امروزه نیز با خطرناک جلوه دادن ایران اعلام کردند که مطابق یک

۱. «يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا» طه، ۶۳

2. Iran Phobia

3. Islam Phobia

نظرسنجی که در فوریه ۲۰۱۲ توسط گروه نظرسنجی «یوگاوکمبریج» اجرا شد یک سوم آمریکایی‌ها موافق ترور مقامات ارشد و دانشمندان هسته‌ای ایران هستند و نیمی از آمریکایی‌ها نیز از بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند (یوگاوکمبریج، ۱۳۹۱).

۶) تحقیر و استهزاء

یکی از توطئه‌های دشمنان برای تضعیف قدرت نرم رهبران الهی تحقیر آن‌ها بوده است که گاهی اوقات به شکل مستقیم و گاهی به شکل تمسخر و استهزاء انجام می‌شود. قرآن به رفتار فرعون اشاره می‌کند که با تمسک به جایگاه طبقاتی پایین، گفتار غیر فصیح و فقر مادی حضرت موسی اقدام به تحقیر وی کرد^۱ تا مردم را از پیرامون او دور کند. کفار قریش نیز پیوسته با این استدلال که چرا قرآن بر انسانی بزرگ نازل نشده است^۲ پیامبر را در انظار مردم کوچک و غیر قابل اعتماد جلوه می‌دادند. روش غیرمستقیم تحقیر رهبران الهی که در قرآن از آن یاد شده است استهزاء و تمسخر آن‌هاست. استهزاء از ریشه «ه-ز-ء» و به معنای طلب تحقیر است با هر وسیله‌ای که صورت گیرد (مصطفوی، ۱۳۷۴، ۱۱، ۲۵۶).

امروزه نیز طراحان تهاجم نرم داستان‌های طنز، شوخی‌های تمسخرآمیز، کاریکاتورهای مضحک، اشعار هجوآمیز و ... را که از سرعت بالای انتشار برخوردار هستند خلق کرده و بین مخاطبان منتشر می‌کنند. آنها این مطالب را هدفدار و برای اقشار و سنین مختلف مردم، ساده و قابل بازگو کردن تولید می‌کنند و ابتکاراتی را بروز می‌دهند که حتی افراد دشمن را به خنده وا می‌دارد (شیرازی، ۱۳۸۰، ۶۱). کارکرد استهزا بدین دلیل بالاست که؛ اولاً ظاهرش خنده و شوخی است و برای همگان جذابیت دارد و به همین دلیل مخاطبان بدون توجه به مقاصد اصلی طراحان آن، حتی در مواردی که به اهداف پنهانی آن‌ها پی می‌برند باز هم جنبه شوخی آن را برجسته‌تر پنداشته و به انتشار آن ادامه می‌دهند، ثانیاً همراهی یک پیام سیاسی با طنز موجب ماندگاری آن در ذهن افراد می‌شود، به همین دلیل امروزه دشمنان اسلام تمام مسیرهای قانونی را برای رسانه‌ها و طنزپردازان هموار کرده‌اند تا با چاپ کاریکاتورها و نمایش فیلم‌های موهن، مقدسات اسلامی به خصوص شخصیت پیامبر ﷺ و رهبران انقلاب اسلامی را تحقیر کرده و نگرش مخاطبان را نسبت به شخصیت‌ها و رهبران دینی

۱. «أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ بَيْنِي، فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ

مُقْتَرِنِينَ». زخرف ۵۲ و ۵۳

۲. «وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنَ الْقُرَيْشِيِّنَ عَظِيمٍ». زخرف، ۳۱

۷) تشکیک در زندگی خصوصی

شیوه دیگر برای انفعال و کاهش اعتبار پیامبران، بزرگ‌نمایی برخی نقاط مبهم در زندگی خصوصی آنان بود. بر همین اساس زمانی که فرعون با دعوت حضرت موسی روبرو شد زندگی موسی را یادآوری کرد که فرزندخوانده فرعون بود و از عنایت وی برخوردار می‌شد و پس از مدتی قتل‌ی را مرتکب شده و فرار کرده بود؛ «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ، وَفَعَلْتَ فَعَلَتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۱. او با این کار سعی کرد معصومیت و ادعای نبوت وی را زیر سوال ببرد. این ترفند بر این اصل مبتنی است که کسانی می‌توانند بر مخاطبان تأثیر بگذارند که از نظر آنان به انسان‌های خوب معروفند. در این زمینه ارسطو نیز تأکید کرده است: «ما به مردان خوب بیشتر و آسان‌تر اعتقاد پیدا می‌کنیم، این موضوع به ویژه زمانی که امکان دستیابی به حقیقت و کسب یقین میسر نباشد به طور حتم درست است. در چنین مواردی، شخصیت مردان خوب، مؤثرترین ابزار، برای قانع کردن دیگران است» (Robberts, 1984. P.25). بنابراین وقتی در خوب بودن یک رهبر تردید ایجاد شود کسی از دعوت او متأثر نمی‌شود.

مقابله قرآن با تضعیف قدرت نرم پیامبران

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد خداوند به طور مداوم تلاش دشمنان برای تضعیف قدرت نرم رهبران الهی را ناکام گذاشته است، ولی روش‌های قرآنی مقابله با تضعیف رهبران الهی از تنوع زیادی برخوردار بوده و خداوند برای دفع هر توطئه دشمن روش خاصی را به کار برده است. بیان راهکار متناسب با هر توطئه این مطلب را بیشتر تبیین می‌کند؛

روش قرآن برای مقابله با إلقاء، افزایش سطح آگاهی و فهم مردم است. چرا که تاثیرگذاری إلقاء ریشه در جهل مردم دارد که آن‌ها را به تحلیل و نتیجه‌گیری غلط وا می‌دارد. در مورد مذکور خداوند برای این که به بنی‌اسرائیل تفهیم کند حضرت موسی مایه بدبختی آنان نیست مشکلات را مایه تذکر برای مردم بیان کرد و آن قدر بر بلاها و مشکلات مردم افزود که آنان ناچار شدند به حضرت موسی مراجعه کرده و او را بین خود و خدا واسطه قرار دهند تا بلا را مرتفع کند؛ «وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ

الرَّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ^۱. در نمونه دیگر که منافقان پیامبر ﷺ را عامل بدبختی معرفی می‌کردند خداوند باز هم فهم ضعیف مردم را مورد توجه قرار داده و به منظور رفع تهمت از پیامبر، آن‌ها را به این نکته آگاه کرد که هر آنچه به آن‌ها می‌رسد از ناحیه خداوند است: «إِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ^۲». پس از جنگ احد نیز که منافقین اطاعت از پیامبر ﷺ و همراهی با او را موجب کشته شدن مردم دانسته و زمینه را برای سرپیچی از آن حضرت فراهم می‌کردند، خداوند به اصلاح نگرش مسلمانان نسبت به مرگ پرداخت و به مسلمانان فهماند که هیچ کس نمی‌تواند مدعی کنترل مرگ باشد و کسانی که معتقدند می‌توانستند مرگ را از همقطاران‌شان دور کنند توان دفع مرگ خود را نیز ندارند؛ «قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۳». خداوند گفتار عده‌ای از همراهان پیامبر را نیز که تحت تأثیر شکست قرار گرفته و با این بیان که اگر اختیار رهبری جنگ به دست ما بود این افراد کشته نمی‌شدند؛ «يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا^۴»، بی‌پاسخ نگذاشت و آن را ناشی از ضعف ایمان آنها دانسته و فرمود: «... لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ؛ اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان مقدر شده بود به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند^۵». این آیات ضمن اصلاح بینش مردم نسبت به مرگ از تضعیف پیامبر ﷺ و ایجاد تردید در شیوه فرماندهی آن حضرت جلوگیری کرد. همچنین در رفع بهانه عدم نزول فرشته نیز فرمود: «وَأَوَّلَ سُنْتِ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِلْمَلَائِكَةِ مِنْ بَشَرٍ بَشَرٌ وَ فِي ذَلِكَ آيَاتٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»^۶ خدا اولاً سنت الهی است که ملائکه را از چشم بشر بپوشاند و در پشت پرده غیب نهان دارد. چون بنای خدا ایمان به غیب است و اگر بساط دنیا مبدل به عالم شهادت شود دیگر امتحان بی‌معنا می‌شود، ثانیاً اگر پیامبر خدا ﷺ در قالب فرشته باشد حتماً مرد خواهد بود که فرستادن زن در سلسله انبیای الهی جایی ندارد. اگر در قالب مردی باشد باید لباس بر تن داشته باشد. در نتیجه مانند همین فردی می‌شود که اکنون در قالب پیامبر آمده است و تفاوتی ندارد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۵، ۱۴۶). چنین پاسخی آگاهی مردم را بالا برده و با برطرف کردن جهل مردم توطئه استفاده از تاکتیک إلقاء را خنثی

۱. اعراف، ۱۳۴.

۲. نساء، ۷۸.

۳. آل عمران، ۱۶۸.

۴. آل عمران، ۱۵۴.

۵. آل عمران، ۱۵۴.

کرد.

راهکار قرآن برای مقابله با برجسب‌زنی، افشاگری درباره انگیزه‌دشمنان است، چرا که اگر مسلمین به دشمنی آنان پی ببرند نسبت به گفته‌های آن‌ها با تردید می‌نگرند. خداوند با افشاگری درباره توطئه‌گران که به رهبران الهی تهمت زده و اطلاعات غلط به جامعه منتقل می‌کردند اعتبار و مقبولیت آنان را از بین برده و تأثیر سخنان آن‌ها را کاهش می‌داد. چرا که توده‌های مردم بزرگان اقوام و طوایف را که منشأ تولید و پخش شایعات بودند افرادی مصلح و دارای مراتب اجتماعی می‌پنداشتند و به همین دلیل اتهامات آن‌ها را می‌پذیرفتند. خداوند برای این که مردم را از انگیزه‌های اصلی آنها آگاه کند تا از آنها تبعیت نکنند درباره آن‌ها افشاگری کرد و سرکشی و طغیان مشرکین را عامل تهمت زدن آنان به پیامبر بیان کرد.^۱ بررسی‌های آزمایشگاهی هم از این راهکار حمایت می‌کنند؛ چون از نظر روان‌شناسی زمانی که قصد منبع، آشکار می‌شود اعتبار آن کاهش می‌یابد. چون مردم دوست ندارند احساس کنند که دیگران می‌خواهند عقاید و نظرهای آنان را تغییر دهند، زیرا در چنین شرایطی این احساس به مخاطبان دست می‌دهد که آزادی‌شان به خطر افتاده است (گنجی، ۱۳۸۴، ۹۷).

راهکار قرآن برای مقابله با شخصیت‌سازی هم منزوی کردن شخصیت‌های بدلی است. قرآن با این افراد طوری برخورد می‌کند که وادار به کناره‌گیری از جامعه شوند. چنان که حضرت موسی علیه السلام سامری را منزوی کرد و به وی دستور داد به کنجی برود و با کسی ارتباط نداشته باشد.^۲ سامری بر حسب این دستور در بیابان‌ها به سر می‌برد و هر وقت کسی نزدیکش می‌شد به او می‌گفت که نزدیکش نشود. چون هر کسی با او تماس پیدا می‌کرد هر دو گرفتار تب می‌شدند (طبرسی، ۱۳۵۴، ۱۶). در جنگ جمل نیز اگر چه امام علی علیه السلام به حفظ حرمت همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اهتمام داشتند، اما عایشه که زنان سوگوار بصره را جمع کرده و هم‌صدا با آنها گریه می‌کرد حضورش در بصره آتش فتنه را تشدید می‌کرد. امام بعد از تلاش‌های ناموفق عبدالله بن عباس برای قانع کردن عایشه به ترک بصره، خودشان به دیدار عایشه آمده و با یادآوری دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه‌نشینی عایشه، طی برنامه‌ای وی را از کانون فتنه جدا کرده و به مدینه فرستاد (عسکری، ۱۳۹۰، ۲، ۲۲۵ تا ۲۳۰). پس از فروکش فتنه، عمروعاص با تأسف از رفتار هوشمندانه امام یاد کرده و خطاب به عایشه گفت: «ای کاش در جنگ کشته شده بودی! وقتی عایشه علتش را سؤال کرد، گفت: اگر

۱. «بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ». ذاریات، ۵۳

۲. «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ». طه، ۹۷

کشته می‌شدی تو به بهشت می‌رفتی و ما این مسئله را مهمترین وسیله برای حمله به علی قرار می‌دادیم» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ۶، ۳۲۲).

قرآن تمسک به گذشته و تبعیت از پیامبران قبلی را هم بهانه‌ای بیش نمی‌داند و برای این که این بهانه را از دست منکران و مخالفان بگیرد آن‌ها را به روش خودشان به گذشته ارجاع داده و عملکرد آن‌ها در گذشته را به چالش می‌کشد و چنین استدلال می‌کند که اگر راست می‌گویید که به پیامبران قبلی ایمان دارید پس چرا با آن‌ها مخالفت کرده و آن‌ها را می‌کشید؛ «فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱.

در مواردی نیز که دشمنان سعی کرده‌اند با خطرناک جلوه دادن پیامبران مردم را از آن‌ها دور کنند خداوند با معجزات متناسب که برای مخاطبان شناخته شده بود پیامبران را یاری کرده است تا نبوتشان اثبات شود و مردم از آن‌ها وحشت نکنند. چنانکه به دنبال خطرناک جلوه دادن حضرت موسی، زمانی که ساحران آماده مقابله با او شدند خداوند با معجزه‌ای که برای بنی اسرائیل شناخته شده بود آن‌ها را مقهور کرد و همگی به موسی ایمان آوردند،^۲ طفیل بن عمر نیز با شنیدن آیاتی از کلام خدا به وسیله پیامبر ﷺ، تسلیم اعجاز قرآن شد، شبیه ماجرای طفیل برای عتبۀ بن ربیعۀ نیز پیش آمد که وقتی سخنان سران قریش را که حاکی از خطرات تعلیم پیامبر ﷺ بود به آن حضرت رساند پیامبر ﷺ آیاتی از سوره فُصِّلَتْ را قرائت کرد، این آیات چنان تاثیرگذار بود که وی پس از بازگشت به سوی سران قریش نه تنها تعلیم آن حضرت را خطرناک نمی‌دانست بلکه معترف بود که در کلام آن حضرت اخبار و پیام‌های سرنوشت‌سازی وجود دارد که اگر عرب آن را بپذیرد سعادت‌مندترین مردم خواهد بود (ابن هشام، بی تا، ۱، ۳۲۲ - ۳۲۳).

مقابله خداوند با تحقیر پیامبران هم اصلاح معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها بوده است. در جوامعی که افراد با معیارهای سطحی قدرت، ثروت و نسب ارزش‌گذاری می‌شدند خداوند همه فخرفروشی‌ها را نفی کرده و عزت را مختص ذات خود معرفی کرد^۳ و پرهیزگاری و ایمان به خدا را تنها ملاک برتری دانست.^۴

۱. بقره، ۹۱.

۲. «فَالْتَمَتِ السَّحَرَةُ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» طه، ۷۰.

۳. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». منافقون، ۸.

۴. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» حجرات، ۲۶.

در مقابله با تمسخر نیز اولین مقابله قرآن، جلوگیری از تضعیف روحیه مومنان است که با تکراری و عادی جلوه دادن این رفتار دشمنان انجام می‌گیرد. آیات متعددی با اشاره به تمسخر همه انبیای پیشین عمومیت این شیوه را در پیروان باطل یادآوری کرده‌اند،^۱ این بیان ضمن دلداری به رهبران الهی از یأس مومنین هم که ممکن است رهبر خود را در موضع ضعف پنداشته و روحیه خود را از دست بدهند جلوگیری می‌کند و به آنها اطمینان می‌دهد که تمسخر پیامبران پیشین هم حاصلی نداشته است با این که دشمنان آن‌ها از دشمنان شما قوی‌تر بوده‌اند؛ «وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ».^۲

راهکار بعدی که مهمتر از اولی است تقبیح استهزاء است. به رغم این که استهزاء از ظاهر جذابی برخوردار است خداوند آن را از مصادیق «ظلم» و «منکر» شمرده و به مرتکبان آن وعده عذاب داده است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ ... بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يُتَبِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۳ و با آشکار ساختن چهره‌ی مجرمانه استهزاکران از همنشینی با آن‌ها نهی کرده است؛ «فَلَا تَقْعُدُوا بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».^۴

خطر تمسخر به اندازه‌ای در اسلام مورد توجه قرار گرفته است که تمسخر مؤمنان و افراد عادی جامعه موجب غفلت از یاد خدا معرفی شده است؛ «فَاتَّخَذَتْهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ»^۵ و در بحث مربوط به استهزاء رهبری جامعه اسلامی گامی فراتر نهاده شده و استهزاء خدا و پیامبر و نیز استهزاء ائمه در صورتی که به استهزاء خدا یا پیامبر برگردد موجب ارتداد شناخته شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱، ۶۰۰).

در مواردی نیز که دشمنان از ابهام موجود در گذشته رهبران استفاده کنند به نظر می‌رسد باید شبیحات به شکل کامل بیان شده و پاسخ داده شوند و اجازه داده نشود در افکار عمومی نسبت به آن‌ها سوءظن ایجاد شود. در مورد مذکور حضرت موسی برای دفاع از خودش، گذشته خود را به طور کامل بیان کرده و از آن دفاع کرد. آن حضرت با مخاطب قرار دادن فرعون به این که «آیا این که

۱. انعام، ۵ و ۱۰، حجر، ۱۱، یس، ۳۰ و ...

۲. سبأ، ۴۵

۳. حجرات، ۱۱

۴. انعام، ۶۸

۵. مؤمنون، ۱۱۰

بنی اسرائیل را بنده خود ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟^۱ استدلالی کرد که همگان بفهمند فرعون نه تنها هیچ دینی بر گردن موسی ندارد بلکه وی باید به خاطر جنایاتی که در حق موسی و دیگران انجام داده و قومی را به بردگی کشانده پاسخ‌گو باشد. موسی علیه السلام همگان را متوجه کرد که سال‌ها پیش کودکان بنی اسرائیل توسط فرعون به قتل می‌رسیدند و مادر موسی برای نجات فرزندش او را به رود انداخت و او از همین طریق وارد دربار فرعون شد. در این رویارویی، موسی علیه السلام ضمن پذیرفتن حضورش در کاخ فرعون، افکار عمومی را آگاه کرد که حضور اجباری وی در کاخ فرعون نقطه ضعفی برای او شمرده نشود.

حضرت موسی همچنین کشته شدن فرد قبطی را مسئله‌ای غیر عمدی معرفی کرد تا اتهام جنایت را که فرعون به وی نسبت می‌داد از بین ببرد؛ «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ»^۲ و فرار خود را که از نظر فرعون نشانه ناسپاسی بود این‌گونه توضیح داد که فرارش از ترس فرعون بوده است؛ «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ»^۳. بنابراین موسی با تبیین و دفاع از گذشته‌اش که فرعون از ابهام آن بهره می‌برد زمینه تضعیف خود را از بین برد.

راهکار قرآنی دیگر که ناظر به پیش‌گیری از استفاده دشمن از این ترفند می‌باشد حساسیت خود پیامبران نسبت به رفع زمینه‌های تهمت بود، پیامبران طوری می‌زیستند که گذشته آن‌ها نه تنها دارای نقطه تاریکی نباشد بلکه مورد تأیید مردم و نقطه قوت آنان باشد، در صورتی هم که پیامبری به دلایل خاصی در معرض اتهام قرار می‌گرفت قبل از این که عهده‌دار دعوت مردم شده و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار بگیرد و دشمنان فرصت اتهام زنی پیدا کنند آن را برطرف می‌کرد. نمونه این اقدام پیش‌گیرانه، رفتار حضرت یوسف است؛ آن حضرت که به اتهام خیانت زندانی بود پس از تعبیر خواب پادشاه مورد توجه وی قرار گرفت و دستور آزادی‌اش صادر شد، ولی آن حضرت بیرون آمدن از زندان را منوط به روشن شدن مسأله زنانی دانست که دستانشان را بریده بودند؛ «فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاَسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ»^۴. یوسف نمی‌خواست پس از آزادی به صورت مجرمی که مشمول عفو شده است زندگی کند، او که پیامبر خدا بود

۱. «وَتِلْكَ بَعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ» شعرا، ۲۲

۲. شعرا، ۲۰

۳. شعرا، ۲۱

۴. یوسف، ۵۰

و وظیفه‌اش هدایت و رهبری مردم بود می‌دانست که اگر یک رهبر دارای گذشته مشکوکی باشد مخالفانش از آن برای تضعیف وی استفاده می‌کنند. به همین دلیل پافشاری کرد تا نخست درباره علت زندانی شدنش تحقیق شود و پس از اثبات بی‌گناهی و پاکدامنی‌اش با سر بلندی آزاد گردد و به عنوان یک مصلح در جامعه پذیرفته شود.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآن و انطباق آن‌ها با واقعیات جاری نشان می‌دهد که تضعیف رهبران الهی روش مرسوم دشمنان بوده است و اغلب توطئه‌هایی که علیه پیامبران الهی به کار رفته است امروزه علیه رهبری انقلاب اسلامی نیز شکل می‌گیرند. شیوه قرآنی مقابله با تضعیف رهبری هم این بوده است که خداوند همواره از جایگاه پیامبران دفاع کرده و تضعیف‌کنندگان پیامبران را بی‌پاسخ گذاشته است. مرور سیره امام خمینی ره و مقام معظم رهبری هم نشان می‌دهد که رهبران انقلاب اسلامی علی‌رغم این که انتظار حمایت امت اسلامی از شخص خودشان را ندارند ولی به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند کسی اعتبار ولایت فقیه را خدشه‌دار کند. امام ره در پاسخ به کسانی که با ظاهر سازی و نفاق می‌گفتند ولایت فقیه را قبول دارند ولی مدعی بودند با ولایت فقیه اسلام تباه می‌شود. فرمودند: «این معنایش تکذیب ائمه است، تکذیب اسلام است و شما من حیث لایسرها این حرف را می‌زنید» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۹، ۱۷۰). سیره مقام معظم رهبری نیز این بوده است که ایشان بنا بر تبعیت از الگوی اسلامی در هیچ مورد به دفاع از شخص خودشان نپرداخته‌اند، حتی ایشان به دنبال فتنه‌ای که توسط عنصر مطرود حضرت امام ره ایجاد شد در سخنرانی ۵ آذرماه ۱۳۷۶ فرمودند: «در این قضیه، ممکن است بعضی تصور کنند که به شخص ظلم شد. اگر در این مسئله به شخص من ستمی رفته باشد و کسی ظلمی کرده باشد من از حق شخصی خودم به طور کامل می‌گذرم و هیچ شکایتی از هیچ‌کس ندارم»، ولی این نکته را هم خاطر نشان کردند که «من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام باید دفاع کنم». این ملاحظات نشان می‌دهد که سیره امام و رهبری همان سیره انبیاست که از حق شخصی خود می‌گذرند ولی زمانی که موضوع مربوط به حق حاکم اسلامی باشد اغماض نمی‌کنند و امت اسلامی را هم به دفاع فرا می‌خوانند، و البته مسلمین مکلف به حمایت از رهبری هستند چرا که روش مرسوم قرآن بی‌پاسخ گذاشتن و انفعال در برابر تضعیف رهبر اسلام نیست.

اما توجه به این نکته لازم است که شیوه قرآنی مقابله با تضعیف رهبری، متناسب با نوع فتنه و

هجمه‌ای که دشمنان انجام می‌دهند از روش‌های متعددی بهره می‌برد؛ به عنوان مثال در صورتی که دشمنان توحید، پیامبران را افرادی خطرناک جلوه می‌دادند تا افکار عمومی را نسبت به آنها بدبین کنند راه دفع فتنه این بود که نبوت آنها اثبات شود تا ثابت شود که آنها خیرخواه جامعه هستند و نه تنها خطر به حساب نمی‌آیند بلکه به دنبال سعادت انسان‌ها هستند، اما وقتی بزرگان قومی با دادن اطلاعات غلط به جامعه سعی در متهم کردن پیامبر داشتند خداوند از اغراض شخصی و کینه‌های آنان پرده برداشته و با تصریح بر دشمنی آنان، آنها را در نظر مردم بی‌اعتبار می‌کرد، همینطور در دفع اِلقای دشمنان، سطح دانش و اعتقادات مردم را افزایش می‌داد، و برای دفع فتنه تمسخر، ارزش‌های اخلاقی را بیشتر مورد تأکید قرار می‌داد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوی قرآن در دفاع از رهبری جامعه اسلامی از پویایی خاصی برخوردار است که می‌تواند تمام روش‌های فتنه‌انگیزی دشمنان را پوشش دهد. حال با توجه به اهمیت و جایگاه رهبری و با توجه به پیچیدگی روش‌های دشمنان در تضعیف قدرت نرم رهبری، امروزه این ضرورت وجود دارد که مجموعه‌ای علمی ایجاد شده و دفاع از جایگاه رهبری در مقابل توطئه دشمنان را به صورت علمی و هوشمندانه انجام دهد. بدین دلیل که ممکن است یک اقدام نادرست و دفاع غلط، دشمن را در رسیدن به اهدافش یاری کند. همچنان که مقام معظم رهبری نیز در خصوص کسانی که در فتنه سال ۱۳۷۸ به ایشان اهانت کرده بودند کسانی را که برای دفاع از ولایت، رفتارهای غیرقانونی انجام می‌دادند مورد خطاب قرار داده و در سخنرانی ۲۱ تیر ۱۳۷۸ فرمودند: «مگر من بارها نگفتم در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این دشمن را خوشحال می‌کند. ... حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آوردند - مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید صبر و سکوت کنید، اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید». چنین تأکیدی از سوی مقام معظم رهبری در راستای همین شیوه قرآنی است که در دفاع از رهبری نباید بهانه به دست دشمن داده شود. بلکه ابتدا باید شیوه‌های رهبرستیزی دشمنان شناسایی و بررسی شود و سپس روش عالمانه متناسب برای مقابله با آن اتخاذ شود.

پژوهش حاضر گام کوچکی در ارایه و معرفی ضرورت چنین دفاعی به حساب می‌آید اما به طور مسلم نیاز است که اندیشمندان عرصه‌های متعدد به خصوص با نگرش‌های معطوف به دشمن‌شناسی در نقد و ابرام این نگرش اقدام کنند.

منابع

۱. **قرآن کریم**؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند
۲. **نهج البلاغه**؛ ترجمه محمد دشتی
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه**، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷
۴. ابن اثیر الجزری، ابی الحسن علی بن محمد، **اسد الغابه فی معرفه الصحابه**، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۲۲
۵. الیاسی، محمدحسین، **عملیات روانی ضد شورشگری سپاه در بحران کردستان** (دهه ۶۰)، (۱۳۸۵)، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، ش، ۱۲
۶. ایونس، ورونیکا، **اساطیر مصر**، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۷. بیابان نورد، علیرضا، **دورنمای ۲۷ سال عملیات روانی آمریکا علیه ایران**، فصلنامه عملیات روانی، ش ۱۰، ۱۳۸۴، صص ۷۴-۹۷
۸. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۳
۹. الحمیری المعافری، عبدالملک بن هشام، **السیره النبویه**، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا
۱۰. دادگران، محمد، **افکار عمومی و معیارهای سنجش**، تهران، مروارید، ۱۳۸۵
۱۱. روحانی، سید حمید، شاهی (مطهری)، عزت الله و حدیدیچی (دباغ)، مرضیه، **نهضت امام خمینی و نسبت آن با سبک زندگی سیا**، سی و اجتماعی ایرانیان، پاسدار اسلام، شماره ۳۷۷، ۱۳۹۲، صص ۱۸ - ۲۹
۱۲. زورق، محمدحسن، **مبانی تبلیغ**، تهران، سروش، ۱۳۶۸
۱۳. امام خمینی رحمته الله علیه، سید روح الله، **صحیفه نور**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱
۱۴. سیبیلان اردستانی، احمد، **عملیاتی سازی عملیات روانی**، فصلنامه عملیات روانی، ش ۵، ۱۳۸۳، صص ۴۲ - ۵۸
۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصره**، تحقیق السید علی میرضیفعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۵
۱۶. شیرازی، محمد، **جنگ روانی و تبلیغات**، مفاهیم و کارکردها، تهران، دبیرخانه نخستین همایش

بررسی نقش تبلیغات در جنگ روانی، چاپ دوم، ۱۳۸۰

۱۷. صحرایی، محمد، **اهمیت و جایگاه افکار عمومی در نظام اسلامی**، پایگاه جامع و تخصصی

جنگ نرم، ۱۷ اسفند ۱۳۸۹

۱۸. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی،

۱۳۶۳

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه احمد بهشتی، تهران، موسسه

انتشارات فراهانی، ۱۳۵۴

۲۰. عسکری، سیدمرتضی، **نقش عایشه در تاریخ اسلام**، قم، علامه عسکری، ۱۳۹۰

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا

۲۲. گنجی، حمزه، **روان شناسی عمومی**، تهران، ساوالان، ۱۳۸۴

۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴

۲۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، ۱۳۷۴

۲۵. مطهری، مرتضی، **آشنایی با قرآن**، تهران، صدرا، ۱۳۸۶

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

۲۷. نجفی، محمدحسن، **جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ

سوم، ۱۳۶۷

۲۸. واقدی، محمدبن عمر بن الواقدی، **کتاب المغازی**، تحقیق محمد عبد القادر عبد العطا، بیروت، دار

الکتب العلمیه، ۲۰۰

29. -Joseph. s. Nye Jr.(2004) *Soft Power*, The Means to Success in World Politics,

Public Affairs

30. -Robberts, N.R. (1984). *attitudes and attitude changes*. Boston: Mc Graw-Hill.

منابع الکترونیکی؛

۳۱. سایت گروه نظر سنجی «یوگا و کمبریج»، <http://Cdn.yougav.com>، ۲۰ آبان ۱۳۹۱

۳۲. پایگاه جامع و تخصصی سایت جنگ نرم ، www.jangnarm.com ، ۱۷ اسفند ۱۳۸۹

۹۵ □ بررسی راهکارهای پیشگیری از تضعیف قدرت نرم ...

۳۳. سایت صهیونیستی مبارزه با پیامبر اعظم ﷺ، www.prophetofdoom.net، ۱۷ مهر ۱۳۹۲

۳۴. سایت مقام معظم رهبری، www.leader.ir، ۳۰ خرداد ۱۳۹۶

